

فقط روزهایی که می نویسم

پنج جستار روایی درباره نوشتن و خواندن

آرتور کریستال | ترجمه احسان لطفی



فهرست

این مرد میانسال جدی به چه چیزی می خندد؟	۱۳	سخن مترجم
چرا موفق نبودن آسان نیست؟	۱۷	سخن گوی تنبل ها
آیا دعوای داستان ادبی و داستان ژانر رو به پایان است؟	۳۳	لذت های گناه آلود
چرا بهتر است خالق متون محبوب مان را نبینیم؟	۵۷	وقتی نویسنده حرف می زند
چرا زندگی و حرفه نویسنده از هم جدا نیست؟	۷۷	زندگی و نویسندگی
آیا خواننده واقعی آخر داستان معلوم می شود؟	۹۱	دیگر کتاب نمی خوانم

پیش‌گفتار

«پدرم می‌گفت تو نویسنده شده‌ای که مجبور نباشی کار کنی. بیشتر نویسندگان در برابر این اتهام با بدخلقی می‌گویند: مگر نوشتن کار نیست؟ اما حرف پدرم پُر بی‌راه نبود.» با خواندن چنین جمله‌هایی وسط یک مقاله تعریف‌مان از مقاله را گم می‌کنیم. پیش‌فرض ما دربارهٔ مقاله این است که رسمی، عصا قورت داده و خشک پیش برود و نشانه‌ای از دنیای شخصی نویسنده در آن نباشد اما مقاله‌ها هم دنیای تازهٔ خودشان را دارند و به فرم‌های خلاق و بدیع درآمده‌اند. گاهی چنان خوب نوشته می‌شوند که تجربهٔ شیرین خواندن رمان‌های پرشور را برای خواننده زنده می‌کنند.

جستارهای روایی چنین حال و هوایی دارند. جستار روایی متنی غیرداستانی است که سبکی دلنشین، ساختاری ظاهراً و لنگار، چاشنی طنزی ظریف و گاهی لحنی شبیه زبان شفاهی دارد و با استفاده از داستان یا ساختار داستانی، روایت نویسنده از موضوعی نامتعارف یا